

## بررسی جایگاه بیوتات روایی در رجال بحر العلوم

سید علی اکبر ربیع‌نجاج\*  
حلیمه یداللهی کرسیکلا\*\*

### ◀ چکیده:

بحث درباره‌ی خاندان‌های رجالی و روایی از نکات مهم در حوزه علم رجال است؛ بیوتاتی که همواره در نشر و انتقال احادیث و مبانی دینی بیشترین تأثیر را داشتند. به همین سبب، در طول تاریخ علم رجال برخی از محققان آن چون نجاشی، بخشی از فعالیت خود را به بررسی آنان اختصاص دادند. در میان این دانشمندان رجالی، سید بحر العلوم با بررسی مهم‌ترین این خاندان‌ها در قسمتی از کتاب رجالی‌اش، به گونه‌ای به اهمیت بحث اشاره کرده و سعی در ایجاد نسبت این بیوتات با علم رجال دارد. با توجه به اهمیت بحث بیوتات و خاندان‌های رجالی، نگارندگان این مقاله ضمن ارائه تعریف لغوی از بیت و روش تراجم بیوتات و خاندان‌ها، روش سید بحر العلوم در بیوتات‌نویسی را بررسی کرده و با مطالعه خاندان‌های روایی موجود در الرجال آن بزرگوار، سعی در روشن شدن نسبت و ارتباط این بیوتات با علم رجال دارد. به عبارت دیگر، به دنبال این است تا مشخص شود علامه بحر العلوم در این بخش از کار رجالی‌اش، چه تعداد ارتباط رجالی را شکل داده است.

◀ **کلیدواژه‌ها:** بیوتات، بحر العلوم، رجال، تراجم، الفوائد الرجالیه.

\* دانشیار دانشگاه مازندران / sm.rabinataj@gmail.com

\*\* کارشناس ارشد دانشگاه مازندران / h.yadolahi88@yahoo.com/

**مقدمه**

سید محمدمهدی طباطبایی بروجردی، ملقب به سید بحرالعلوم، از دانشمندان برجسته دنیای اسلام است که همواره نظریات او در زمینه فقه و حدیث، باعث توجه دیگر علمای دین است.

تبحر او در علوم مختلف که نشان از بلوغ علمی-معظم‌له- دارد، منجر به تألیفات متعددی شد که از آن میان، کتاب رجال الفوائد الرجالیه درباره علم رجال به سبب دارا بودن ویژگی‌های بی‌نظیر، جایگاه عظیمی بین دانشیان رجالی پیدا کرده است.

از خصوصیات بارز این اثر، بهره‌گیری علامه بحرالعلوم از روش تراجم بیوتات و خاندان‌ها در نگارش بخش اول کتاب است. بدین ترتیب که ایشان این بخش از کتابشان را به یکی از شاخه‌های علم رجال یعنی بحث از بیوتات روایی اختصاص داده‌اند؛ امری که در میان متقدمان و متأخران این دانش به ندرت دیده می‌شود. سرانجام سید بحرالعلوم با کنار هم قرار دادن 28 بیت از خاندان‌های مهم رجالی، مجموعه‌ای منسجم از بیوتات روایی را شکل داد.

به نظر می‌رسد علامه بحرالعلوم با بررسی این بیوتات، سبکی رجالی را در حوزه این علم مطرح کردند؛ بنابراین، با توجه به اهمیت بحث، نگارندگان مقاله سعی دارند به این سؤالات پاسخ دهند:

علامه بحرالعلوم چه ارتباطی را بین این بیوتات روایی و علم رجال ایجاد کرده است؟ به عبارت دیگر، جایگاه بیوتات روایی در کتاب رجال او چگونه است؟

**تعریف بیت و محدوده آن**

منابع لغوی، جمع بیت را بیوت و ایات و نیز جمع این دو واژه را ابابیت و بیوتات ذکر کردند. ایات برای شب به کار می‌رود، اما بیت در معنای جمع بیوت و بیوتات دارای تعریفی دیگر است. بدین گونه که الیبت: خانه، مسکن، منزل، خانه کعبه، فرش گستردنی خانه، گور، قبر و نیز بیوتات را بیشتر برای خانواده‌های نجیب‌زادگان و اشراف به کار می‌برند. (بندریگی، 1382، ص 161) این تعریف در بیشتر این مأخذ یکسان است.

در مفردات نیز بیت به معنی منزل و مأوای انسان در شب است، زیرا «بیتوته» اقامت کردن در شب است و گاهی مطلق مسکن گفته می‌شود.

همچنین می‌گوید: «مکان و محل هر چیزی را بیت آن چیز می‌گویند، چنان‌که آل رسول را «اهل بیت» گفته‌اند. (الاصفهانی، 1427ق، ص 151)

طبرسی ذیل آیه 125 سوره بقره می‌گوید: «بیت و منزل و مأوی، نظیر هم‌اند و بیت شعر را بدان سبب بیت می‌گویند که حروف و کلام را جمع کرده است، مثل قریه که اهل محل را جمع کرده است.» (طبرسی، بی تا، ج 1، ص 334)

دهخدا در لغت‌نامه ذیل این واژه می‌گوید: «بیت یعنی خانه و این مأخوذ از بیتوته‌ای است که به معنی شب گذراندن باشد، چون اکثر اوقات بیتوتت در خانه می‌باشد؛ لهذا خانه را بیت می‌گویند. ایشان بیت را به معنای دودمان نیز آورده است.» (دهخدا، 1373، ص 5141)

از فحوای این سخنان به دست می‌آید که واژه بیت و جمع آن هم به معنای مکان است و هم افرادی که در آن مکان به سر می‌برند؛ بنابراین، به نظر می‌رسد واژه بیوتات روایی را که در منابع رجالی به کار رفته، بتوان عبارت از افرادی یا به قول دهخدا دودمانی دانست که در یک مکان جمع می‌شوند. نمونه بارز آن در بخش اول کتاب الرجال بحرالعلوم دیده می‌شود. چنان‌که وقتی گفته می‌شود بیت اُبی رافع یا بیت آل اُعین، اشاره دارد به افرادی که در یک مکان خاص به سر می‌برند. افراد این بیت دارای روابط نسبی و سببی می‌باشند؛ همان‌طور که در بررسی بیوتات رجالی کتاب سید بحرالعلوم دیده می‌شود.

### تراجم بیوتات و خاندان‌ها و امتیازهای این شیوه

امروزه مراجعه به کتاب‌های رجالی که در بردارنده اطلاعات راویان احادیث هستند، بهترین روش برای شناخت آنان است. از ابتدای تألیف در این موضوع رجالیان، برای تعیین و شناخت راویان و نیز بیان میزان اعتبار، هریک به شیوه‌های مختلفی به تألیف پرداخته‌اند. (رحمان ستایش، 1385، ص 6) این تفاوت در شیوه نگارش باعث شد تا نوع اطلاعات موجود نیز متفاوت شود، به گونه‌ای که اهمیت این اطلاعات را در نظر مؤلف یادآوری کند. (حسینی جلالی، 1418ق، ص 67)

تاریخ علم رجال این تفاوت‌ها را در نگارش کتاب‌های رجالی خاطر نشان می‌کند. از همان ابتدا روش بعضی از اصحاب ائمه علیهم‌السلام در تألیف کتاب‌های رجالی با روش

برخی دیگر متفاوت بود. بعضی کتابی برای شمارش اصحاب پیامبر ﷺ که با امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ‌هایش شرکت داشته و گروهی کتاب‌هایی را برای بیان مثالب و مناقب راویان حدیث تألیف کرده‌اند. عده‌ای نیز به نگارش کتابی برای بیان طبقه معصوم تا اصحاب معصومان علیهم السلام از پیامبر ﷺ تا آخرین معصوم پرداختند. (الایروانی، 1417ق، ص 326)

به مرور زمان، کتاب‌های رجالی با شیوه‌های گوناگون به نگارش درآمدند که گاهی نویسندگان آن‌ها فقط یک روش را در پیش می‌گیرند و گاهی دو یا سه و یا بیشتر از آن را اتخاذ می‌کنند. این اتخاذ برحسب هدف مؤلف و یا مبنای او در علم رجال یا شیوه ممارست او در این علم است. (لسند، 1426ق، ص 180) تألیف بر اساس تراجم بیوتات و خاندان‌ها از جمله این شیوه‌های رجالی است.

منابع رجالی مبتنی بر این شیوه دربردارنده اطلاعات جامعی اعم از اسم و کنیه افراد راوی، اشتراکات موجود و نیز موقعیت اشخاص و شرح حالی از این بیوتات رجالی است.

برخی می‌گویند که این روش رجالی با علم انساب مرتبط و یکی از ابواب رجالی است. چنان‌که گویند دخالت علم انساب در شناسایی هویت فردی از ضروریات اولیه است و هر چقدر فرد رجالی به این قبیل اطلاعات احاطه داشته باشد، در تشخیص مشترکات به واسطه لقب یا کنیه یا محل سکونت و تاریخ مربوط به آن و مسائل دیگر آگاه‌تر خواهد بود. چنان‌که نجاشی به دلیل تسلط به این علم، در تشخیص مشترکات آگاهانه‌تر ورود پیدا می‌کند. (همان، ص 189)

به نظر آیت‌الله خوئی مؤلفان بسیاری از کتاب‌های رجالی در تشخیص مختلط و غیرمختلط به انساب‌شان استناد می‌کنند و بسیاری علت نسب را نیز ذکر می‌کنند چه بسا نسب، نسب صریح است یا فرد به دلیل اختلاط با قبیله یا به سبب محل سکونت یا مجاورت یا نسبت یا به این دلیل که از موالی‌شان است، به آن مشهور باشد. (خوئی، 1410ق، ج 1، ص 4)

به نظر می‌رسد از آنجا که علم انساب به تبارشناسی فرد، نسبت‌های خانوادگی، قومی، قبیله‌ای می‌پردازد و علمی است که از نسبت‌های مردم و قواعد کلی و جزئی

تبارشناسی بحث می‌کند (حاجی خلیفه، 1387ق، ج 1، ص 178) منشأ اثر مهمی در تشخیص این قبیل راویان است.

روش تراجم‌نگاری بیوتات و خاندان‌های روایی در کتاب‌های متعدد رجالی آمده است. همان‌طور که ابو غالب زراری رساله‌ای درباره‌ی آل زرارة بن اَعین و بعضی دیگر درباره‌ی آل نجاشی و بعضی درباره‌ی نوبختی تألیف کردند و علامه بحرالعلوم نیز کتابش را در زمینه‌ی رجال بر این شیوه تدوین کرده است و برای بسیاری از بیوتات شیعه اصطلاحاً ترجمه و عنوانی ذکر کرده است. (لسند، 1426ق، ص 199) ایشان در بخش اول از کتابش، 28 خاندان از خاندان‌های مهم روایی را با این شیوه بررسی کرده‌اند. این روش به دلیل تسلط روشن بر روای از جهت تربیت خانوادگی و نیز مطالعه‌ی شخصیت فردی «راوی» و نیز از جهت جایی که در آن رشد کرده و خاستگاهی که در رشد و شکل‌گیری او مؤثر بود، ممتاز است. همچنین چون بسیاری از حالات و جوانب فردی «راوی» را بیان می‌کند، در مقابل روش‌های دیگر قرار دارد. (همان‌جا) به نظر می‌رسد منابع رجالی که بر این شیوه تألیف شده‌اند، امتیازات دیگری نیز دارند؛ از جمله:

1. راویان و محدثان یک خاندان روایی که در منابع رجالی به صورت پراکنده بوده‌اند، بر اساس این روش در یک جا جمع می‌شوند. بدین ترتیب، خاندان‌های روایی نیز در این شیوه‌ی رجالی در کنار هم قرار می‌گیرند.
2. با قرار گرفتن این بیوتات کنار هم و بررسی آنان، خاندانهایی که بیشترین تأثیر را در نقل احادیث داشته، مشخص می‌شوند.
3. در شناخت این امر که خاندان روایی در زمان کدام ائمه حضور داشته و از چه کسانی روایت کرده‌اند و راویان آن چه کسانی هستند، اهمیت به‌سزایی دارد. به عبارت دیگر، منشأ روایات یک بیت تا حدودی شناخته می‌شود. ارسال و امثال اینها هم شناخته می‌شود. به این ترتیب، مشکل بسیاری اسناد حل می‌شود.

### روش‌شناسی بیوتات در رجال بحرالعلوم

از مهم‌ترین و کم‌نظیرترین منابع رجالی که توانسته است مهم‌ترین خاندان‌های روایی را در کنار هم قرار دهد، رجال سید بحرالعلوم است.

- بررسی 28 خاندان مهم روایی، جلد اول کتاب را تشکیل می‌دهد که ایشان عموماً یک روش ثابت را در معرفی خاندان‌هایی روایی برمی‌گزینند که به قرار ذیل است:
1. بعد از ذکر نام خاندان در عباراتی کوتاه اما گویا انتساب بیت مذکور را به شخص، شهر و قبیله خاص روشن می‌کند؛ حتی اگر آن خاندان از موالی عرب باشد، نیز ذکر می‌کند.
  2. در مرحله دوم به ذکر افراد خاندان می‌پردازد که عموماً از راویان حضور انمه (رضی الله عنه) هستند.
  3. در بررسی افراد خاندان، از بیان کلام رجالیان دیگر از جمله نجاشی، طوسی و کشی بهره می‌برد. در صورت لزوم از منابع اهل سنت چون *التقریب* نیز استفاده کرده است؛ برای مثال، ذیل خاندان ابن ابی الجعد درخور مشاهده است. از نکات درخور توجه در این مرحله این است که وجه غالب اقدام علامه بحرالعلوم بر اساس شیوه رجالی است، چنان‌که به هنگام بیان دیدگاه خویش در بسیاری مواقع تحت تأثیر اوست.

### بررسی بیوات روایی در *فوائد الرجالیة بحر العلوم*

گاهی در ترجمه برخی از افراد خاندان روایی دیده می‌شود که آن خاندان مورد توثیق یا مدح قرار می‌گیرند. چنان‌که نجاشی ذیل ترجمه دو نفر از افراد آل ابی‌شعبه تمام خاندان را توثیق کرده است، زیرا به گفته او، آل ابی‌شعبه در کوفه خاندانی معروف و شیعه بودند. (الخویی، 1410ق، ج 1، ص 51 و ج 11، ص 77)

همچنین در منابع رجالی ملاحظه می‌شود که محقق رجالی انتساب راوی به یک خاندان را نشان از وثاقت او می‌داند، همان‌طور که وحید بهبهانی در *مقدمة القوائد الرجالیة* بر تعلیقه *منهج المقال* استرآبادی گفته است: «بودن راوی از آل اعین و آل نعیم، آل ابی‌شعبه را نشانه وثاقت راوی دانسته است.» (وحید بهبهانی، 1404ق، ج 1، ص 216)

صاحب *جواهرالکلام* نیز ذیل حدیثی که حمزة بن حرمان در سند آن وجود دارد، می‌گوید: «و از آل نعیم الازدی است و آل نعیم خانواده‌ای برجسته در کوفه بوده و همه آنها ثقات بوده‌اند.» (نجفی، 1398، ج 26، ص 26)

سؤال مطرح در اینجا چگونگی وجه ارتباط بیوتات روایی با علم رجال از نظر علامه بحرالعلوم است؟

آقای ربانی با بیان اینکه ذکر این بیوت و خانواده‌ها به منزله قاعده کلی توثیق و تعدیل است؛ مثلاً وقتی ثابت شد فرزندان برقی همه ثقه‌اند، این توثیق را به منزله قاعده عامه است و هر کسی که منتسب به برقی باشد و در سلسله راویان حدیث واقع شود، چه با عنوان اسم یا چه با عنوان لقب، ثقه خواهد بود. (ربانی، 1382، ص 155)

بر این اساس، با بررسی بیوتات و دسته‌بندی آنان به خاندان‌های ممدوح و با بیان مستندات سید بحرالعلوم و تحلیل آن‌ها درباره هریک از خاندان‌ها به بعضی مسائل و شبهات پاسخ داده می‌شود.

### 1. خاندان‌های توثیق‌شده

به گفته شهید ثانی، واژه «ثقه» گرچه در ابواب فقه به مفهومی اعم از عدالت کاربرد دارد، در رجال و درایه صرفاً در معنای عدل «وصف راوی» به کار می‌رود. (شهید ثانی، 1413ق، ص 203) عالمان رجالی از معنای ثقه، مفهوم لغوی آن را که اعتماد است، اراده کرده‌اند.

همچنین عده‌ای از این لفظ، عدل و امامی بودن راوی را نتیجه گرفته‌اند و عده‌ای همان را در دلالت بر معنای اخیر محل تأمل دانسته‌اند. (وحیدبهبهانی، 1404ق، ص 18)

در دلالت ثقه که به معنای اعتماد است، بر عدالت و وثاقت راویان اتفاق نظر وجود دارد. (کلباسی، 1419ق، ج 2، ص 195) نجاشی و شیخ طوسی نیز این واژه را به معنای عدل و حجت به کار برده‌اند. (الخطیب، 1417ق، ص 115)

### 1.1. توثیق عام

توثیق راویان از دو روش توثیق عام و خاص صورت می‌گیرد. مراد از توثیق عام آن است که علمای رجال درباره خصوص راوی تصریح نکرده‌اند که او ثقه است، ولی عبارتی را آورده‌اند که به صورت قاعده عمومی است و این راوی مثلاً یکی از افراد و مصادیق آن قانون و قاعده است. (الخویی، 1410ق، ج 1، ص 49) مثلاً شیخ طوسی تصریح کرده که مشایخ سه‌گانه، محمد بن ابی عمیر و احمد بن ابی نصر بزنطی و صفوان بن یحیی، از غیرثقه روایت و ارسال نمی‌کنند (طوسی، 1403ق، ج 1، ص 154) و معنایش

آن است که در هر جا ارسال و یا از راوی نقل کرده باشند، دلیل بر توثیق و اعتبار آن روایت است.

از مجموع این عبارات می‌توان گفت توثیق عام توثیقی است که در آن، عنوانی کلی مورد توثیق واقع شود.

بیان نمونه‌ها:

### 1-1-1. آل ابی‌شعبه

مهم‌ترین و مشهورترین ایشان عبارت‌اند از: علی و عمر، پسران ابی‌شعبه و فرزندان آنان، عبیدالله بن علی بن ابی‌شعبه، عمران بن علی بن ابی‌شعبه، عبدالاعلی بن علی بن ابی‌شعبه، محمد بن علی بن ابی‌شعبه، احمد بن عمر بن ابی‌شعبه، یحیی بن عمران.

بحرالعلوم ذیل آل ابی‌شعبه آورده است: «خیر شعبه من شعب الشیعة و أوثق بیت إعتصم بعری أهل البیت المنیعة.» (بحرالعلوم، 1363، ج 1، ص 214)

مستند توثیق: با توجه به قراین موجود در ترجمه این خاندان به نظر می‌رسد سید بحرالعلوم معتقد به توثیق عام آنان باشد و استناد توثیق ایشان مبتنی بر دیدگاه نجاشی است.

نجاشی ذیل بررسی رجالی عبیدالله بن علی بن ابی‌شعبه چنین آورده است: «... و آل ابی‌شعبه بالكوفة بیت مذکور من اصحابنا و كانوا جمیعهم ثقاتا مرجوعا الی ما یقولون...» (نجاشی، 1407ق، ص 230) از این عبارت برداشت می‌شود کل خاندان ابی‌شعبه ثقه‌اند، زیرا این خاندان همان‌طور که گفته شد، دارای افراد زیادی است، در حالی که نجاشی به اسم و عنوان خاصی اشاره نکرد.

پس این توثیق، توثیق عام است، زیرا عنوان کلی در آن مد نظر است و البته توثیق آل ابی‌شعبه که در آن عصر بوده‌اند و تصریح و تأکید نجاشی بر وثاقت همه آنها قرینه‌ای قوی، بلکه دلیل وثاقت می‌تواند شمرده شود. (رحمان ستایش، 1385، ص 146) سایر رجال‌شناسان نیز به توثیق افراد این خاندان اشاره دارند. بر این اساس، می‌توان اطمینان یافت که توثیق عام این خاندان به عنوان قاعده‌ای کلی پذیرفته است. چنان‌که ذیل ترجمه علی بن ابی‌شعبه او را ثقه معرفی کرده‌اند. (ابن داود، 1383، ص 237؛ حلی، 1411ق، ص 103) در ترجمه عبیدالله بن علی بن ابی‌شعبه نیز آمده است: «... و کان



عبدالله کبیرهم و وجههم» (حلی، 1411ق، ص 112)

آنچه در ابن داود یا علامه حلی درباره برخی فاقدان آل ابی شعبه آورده‌اند، شاهدی دیگر برای توثیق بودن عام این خاندان است؛ عباراتی مانند: «...ثقة لامطعن علیه» (ابن داود، 1383، ص 263؛ حلی، 1411ق، ص 125) و همین عبارت نیز ذیل ترجمه عبدالاعلی بن علی بن ابی شعبه (ابن داود، 1383، ص 220؛ حلی، 1411ق، ص 127) و محمد بن علی بن ابی شعبه (ابن داود، 1383، ص 324؛ حلی، 1411ق، ص 143) از این نمونه‌ها به شمار می‌آید.

در بحث رجالی، احمد بن عمر بن ابی شعبه ذکر شده است: «ثقة ممدوح» (ابن داود، 1383، ص 35) و از یحیی بن عمران نیز در منابع رجالی با عبارت «ثقة، صحیح الحدیث» یاد شده است. (حلی، 1411ق، ص 182) گرچه ذیل ترجمه عمر بن ابی شعبه در منابع رجالی توصیفی ذکر نشده است و تنها در الرجال شیخ طوسی (ص 253) و در رجال برقی (1383، ص 36) به ذکر نام او اکتفا شده است، آنچه را نجاشی ذیل ترجمه عبدالله بن ابی شعبه آورده، دلیل بر توثیق اوست.

علامه بحر العلوم در نهایت با تعبیر «دلالة کلام النجاشی علی توثیق الجميع» (ج 1، ص 220) دیدگاه خویش مبنی بر توثیق تمام خاندان را بیان می‌کند.

### 1-1-2. آل ابی الجعد

از دیگر خاندان‌های علمی کوفه، خاندان ابی الجعد رافع الغطانی الاشجعی است که سالم و عبیده و زیاد فرزندان او و از اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام می‌باشند. بنا بر مباحث رجالی مطرح شده ذیل این خاندان روایی به نظر می‌رسد سید بحر العلوم ادعای توثیق عام را مطرح کرد و استناد ایشان بر کلام نجاشی است. مستند توثیق عام:

نجاشی ذیل ترجمه رافع بن سلمه چنین آورده است: «رافع بن سلمة بن زیاد بن ابی الجعد الشجعی، مولا هم، کوفی، روی عن ابی جعفر و ابی عبدالله علیهما السلام، ثقة من بیت الثقات و عیونهم» (نجاشی، 1407ق، ص 169)

ظاهر کلام نجاشی توثیق این خاندان را شامل می‌شود، زیرا به نظر می‌رسد تعبیر «بیت الثقات یا بیت ثقات» عبارتی توصیفی برای بیت ابی الجعد باشد؛ به عبارت دیگر،

«رافع بن سلمة» ثقه است، زیرا مربوط به خاندانی ثقه است. در این صورت، عنوان کلی خاندان ابی‌الجعد موضوع توثیق است.

علامه بحرالعلوم نیز با بیان اینکه: «ظاهر کلامه - رحمة الله - توثیق اهل هذا البيت جميعا و لاقل من دلالته على وثاقة الاعيان والمعروفين منهم.» (بحرالعلوم، 1363، ج 1، ص 270) بر توثیق عام آل ابی‌الجعد تأکید و تصریح دارد.

### 1-1-3. آل ابی‌رافع

آل ابی‌رافع از برجسته‌ترین خاندان‌های شیعه است. بزرگ این خاندان، ابورافع است. از دیگر افراد این خاندان که در منابع رجالی از آنان نام برده شده، عبارت است از: علی و عبیدالله فرزندان ابورافع، عون و محمد پسران عبیدالله و تیز عبدالله (عبیدالله) بن علی بن ابی‌رافع.

سید بحرالعلوم ذیل ترجمه این خاندان می‌آورد: «آل ابورافع من ارفع بیوت الشیعة و أعلاها شانا و أقدمها إسلاما و إیماناً.» (همان، ج 1، ص 203) نکته مهم ذیل این ترجمه آن است که استناد علامه بحرالعلوم در توثیق عام آنان مبتنی بر چه نکته‌ای است؟ مرحوم بحرالعلوم ذیل ترجمه این خاندان بیش از هر رجالی دیگری از دیدگاه نجاشی استفاده کرده است. به نظر می‌رسد به گونه‌ای نجاشی را ذیل این بررسی اصل قرار داد. اما نکته درخور توجه، ذیل این ترجمه آن است که در آن مطلبی که به توثیق عام این خاندان به طور واضح تصریح داشته باشد، وجود ندارد. بدین ترتیب، این امکان وجود دارد که توثیق عام این بیت به توثیق یک‌کایک افراد این خاندان برگردد، زیرا صاحب الفوائد الرجالیه به نقل از نجاشی از آنان با عباراتی مانند ثقه از سلف صالح، متقدمان در اسلام، از کاتبان و راویان امام علی ع یاد می‌کند (همان‌جا) و نیز در ترجمه آنان نکته‌ای که ذم را در بر داشته باشد، وجود ندارد.

### 1-2. توثیق خاص

توثیق خاص به عنوان یکی از روش‌های بررسی راویان، عبارت است از توثیقی که درباره شخص خاصی وارد شده است. (ربانی، 1382، ص 160) به عبارت دیگر، هرگاه راوی با اسم و عنوان خاصی توثیق شود، به آن توثیق خاص می‌گویند. گاهی در توثیق خاص دیده می‌شود جمعی از راویان بیش از یک نفر با اسامی و

عناوین مشخص توثیق می‌شوند؛ بنابراین، می‌توان گفت به وثاقت افراد معین و مشخص حکم شده است، خواه مربوط به یک نفر باشد، خواه افراد متعدد را شامل شود. توثیق خاص از طریق تنصیص یکی از معصومان علیهم‌السلام تنصیص یکی از اعلام متقدم یا متأخر صورت می‌گیرد.

در این بخش از مقاله، سعی بر آن است تا نسبت کار سید بحرالعلوم با بیوتات نویسی از جهت توثیق خاص روشن شود. به عبارت دیگر، بررسی شود که صاحب الفوائد الرجالیه یا کنار هم قرار دادن این بیوتات، چه تعداد توثیق خاص را شکل داده است.

بیان نمونه‌ها:

### 1-2-1. آل ابی صفیه

به نظر می‌رسد از جمله خاندان‌های دارای توثیق خاص، آل ابی صفیه است که «ابو حمزة ثمالی، ثابت بن دینار» بزرگ خاندان و «محمد» و «علی» و «حسین» پسران وی می‌باشند.

سید بحرالعلوم ذیل ترجمه این بیت رجالی آورده است: «ابو حمزة ثمالی ثابت بن دینار و أبناء: محمد و علی و الحسین ثقات جمیعا» (بحرالعلوم، 1363، ج 1، ص 258) از ظاهر این تعبیر، توثیق خاص به دست می‌آید، زیرا در آن به توثیق افراد خاص و معین اشاره شده است.

به نظر می‌رسد دیدگاه سید بحرالعلوم مبتنی بر کلام کشی باشد که ذیل این خاندان گوید: «سألت أبا الحسين حمدویة بن نصیر عن علی بن أبی حمزة الثمالی و الحسین بن أبی حمزة و محمد أخویه و أویه؟ فقال: کلهم ثقات فاضلون» (الکشی، 1348، ص 406) عبارت «کلهم ثقات» در بردارنده عنوان کلی توثیق نیست، بلکه فقط اشاره به افراد مذکور در سند دارد؛ بنابراین روشن است که توثیق خاص می‌باشند.

### 1-2-2. آل ابی اراکه

خاندان «میمون الکندی» است و «بشیر» و «شجرة» فرزندان «اسحاق بن بشیر»، «علی بن شجرة» و «حسن بن شجرة» نیز از این خاندان هستند که در شمار توثیقات خاص به شمار می‌روند.

بحرالعلوم ذیل ترجمه این خاندان آورده است: «... و کان ابنا میمون الکندی: بشیر

و شجرة و أبناؤهما: إسحاق بن بشير و علی بن شجرة والحسن بن شجرة من بیوت الشیعة و ممن روی عن الائمة عليه السلام فيه الثقات. (بحرالعلوم، 1361، ج 1، ص 264)

با توجه به تعبیر «فیه الثقات» در کلام بحرالعلوم شاید بتوان نتیجه گرفت توثیق شامل حال برخی از افراد خاندان است و مستند کلام سید بر کلام نجاشی استوار باشد. نجاشی ذیل شرح حال علی بن شجرة آورده است: «علی بن شجرة بن میمون بن ابی أراکة النبال- مولى کندة- روی ابوه عن ابی جعفر و ابی عبدالله عليه السلام. و أخوه الحسن بن شجرة روی... و کلهم ثقة.» (نجاشی، 1407ق، ص 275)

نجاشی با تعبیر «کله مثقاة» به توثیق پدر و برادر، علی بن شجرة پرداخته و این همان توثیق خاص است که فرد یا افراد معینی با عناوین مشخص مورد توثیق قرار می‌گیرند و به نظر می‌رسد دیدگاه صاحب الفوائد الرجالیه بر آن مبتنی است.

### 1-2-3. بنویسار

ابوالقاسم الفضیل بن یسار النهدی بزرگ این خاندان است و فرزندان او العلا و قاسم و محمد بن قاسم هستند. سید بحرالعلوم برای آنان عبارت «ثقات جمیعا» را به کار می‌برد.

به نظر می‌رسد در توثیق خاص این خاندان نیز استناد علامه بحرالعلوم بر کلام نجاشی باشد، زیرا ذیل ترجمه محمد بن القاسم بن فضیل آورده است: «... ثقة هو و أبوه، عمه العلا و جده الفضیل.» (همان، ص 362) در اینجا نیز استناد سید به کلام نجاشی می‌باشد که در آن به وثاقت افراد خاص و مشخص حکم شده است.

علاوه بر این خاندان، صاحب الفوائد الرجالیه به ذکر دیگر خاندان‌های روایی پرداخته است که با توجیه مانند خاندان بنویسار در شمار توثیق خاص قرار می‌گیرند؛ از جمله:

بنو إلیاس (بحرالعلوم، ج 1، ص 329)، بنو عبدربه (همان، ص 352)، بنو میمونه (همان، ص 361)، بنو سوقه (همان، ص 361)، بنو رباط (همان، ص 378)، بنو عطیه (همان، ص 376)، بنو هیثم (همان، ص 383)، بنو موسی (همان، ص 47)، بنو سابور (همان، ص 367)، بنو عمار العجلی (همان، ص 390)، بنو حکیم (همان، ص 399) در زمره توثیق خاص می‌باشند، زیرا راویان در این بیوتات با اسم و عنوان خاصی توثیق شدند.

نکته شایان ذکر آن است که علامه بحرالعلوم ذیل شرح حال برخی از این بیوتات

که در زمره توثیق خاص‌اند، بدون ذکر دیدگاه رجالی خویش، به بیان آرای متقدمان رجالی به‌خصوص نجاشی اکتفا می‌کند؛ از جمله ذیل ترجمه بنو الحر الجعفی چنین آورده است:

«...أدیم وأیوب و زکریا من أصحاب الصادق علیه السلام و ذکرهم النجاشی علیه السلام و اثبت لأدیم و آیوب أصلا و وثقهما و لزکریا کتابا...» (بحر العلوم، ج 1، ص 323)  
مانند آن: از بنو ابی سیرة (همان، ص 364)، بنو نعیم (همان، ص 374)، بنو فرقد (همان، ص 382)، بنو دراج (همان، ص 383) نام برد.

بررسی این بیوتات رجالی توثیق خاص را آشکار می‌کند، زیرا در شرح حال آنان به وثاقت افراد خاص و مشخص حکم شده است. شاید بتوان عدم ذکر دیدگاه از سوی مرحوم بحر العلوم و سکوت ایشان را تأیید آرای رجالیان پیشین ذیل این خاندان‌های روایی دانست؛ و نیز شاید این امر دال بر واگذار کردن آن به متقدمان باشد.

### 1-3-1 مدح

در اصطلاح علمای رجال، مدح راوی در مرتبه پایین‌تر از توثیق قرار دارد. (ربانی، 1382، ص 168) مدح راوی به معنای تمجید صفات پسندیده راوی و موضوعی متفاوت با توثیق اوست و الفاظ خاص خود را دارد. (قاسم‌پور، 1389، ص 199)  
بنا بر آنچه در تعاریف آمده، در این بخش سعی بر آن است به بررسی آن تعداد از خاندان‌هایی پرداخته شود که علامه بحر العلوم از این جهت به ارتباط بیوتات‌نویسی با علم رجال پرداخته است.

### 1-3-1. آل اعین

از بزرگان شیعه و از راویان احادیث ائمه علیهم السلام می‌باشند. سید بحر العلوم ذیل این خاندان آورده است: «أكبر بیت فی الكوفة، من شیعة أهل البيت علیهم السلام و أعظمهم شأنا و اکثرهم رجالا و اعیانا و أطولهم مدة و زمانا. أدراک اوائلهم السجاد والباقر والصادق علیهم السلام و بقی أواخرهم الی أوائل الغیبة الكبرى و کان فیهم العلماء والفقهاء والقراء والأدباء و رواة الحدیث.» (بحر العلوم، 136، ج 1، ص 222)

ذیل ترجمه این خاندان، قرائنی دال بر توثیق عام این خاندان وجود دارد که علامه بحر العلوم در بررسی این بیت رجالی به آنان استناد کرده است.

مستند مدح عام:

ابو غالب گوید: «أنا اهل بیت اکرمنا الله جل و عز بدینه و اختصنا اولیاء ما نشاننا الی وقت الفتنه التي امتحننت بها شیعة و آل اعین اکبریت فی الشیعة و اکثرهم حدیثا و فقها، ذلك موجود فی کتب الحدیث و معروف عند رواة.» (زراری کوفی، 1411ق، ص 113 و 114)

1. تعبیرات ابو غالب درباره آل اعین در بردارنده مدح عام برای این بیت روایی است، زیرا در آن فرد یا افراد خاصی مدنظر نیست، بلکه عنوان کلی آل اعین است که مدح بر آن تعلق می گیرد.

از آن جمله عبارت «اختصنا اولیاء» است که برخی از رجالیون مصاحب و همراه بودن با امام را از الفاظ مدح بلکه وثاقت دانسته اند. (مامقانی، 1411ق، ج 2، ص 253؛ تستری، 1410ق، ج 1، ص 68) این مصاحبت و همراهی شامل تمام خاندان است، همان طور که بحر العلوم نیز در ابتدای ترجمه این بیت اشاره دارد.

2. به نظر می رسد علامه بحر العلوم در پایان بررسی با این عبارت که «مدائح آل أعین- خصوصا زراة- کثیرة و قد روی فیہ و فیهم- تبعاله- ذموم لهام حامل ذکرها الاصحاب و دلت علیها الاخبار المعتبرة عنه» (بحر العلوم، 1363، ج 1، ص 257) بر مدح عام تأکید دارد.

شایان ذکر است که برخی از رجالیون چون بهبهانی بودن راوی از آل اعین را نشانه وثاقت دانسته است. (وحید بهبهانی، 1404ق، ج 1، ص 316) دلیل قطعی بر توثیق عام آنان نیست، زیرا قرائن حاکی از مدح آنان است.

### 1-3-2. آل ابی الجهم

از خاندان قابوس بن نعمان بن منذر خانواده بزرگی در کوفه است که «سعید بن الجهم» و فرزندان او «حسین بن سعید»، «منذر بن سعید»، «محمد بن منذر بن سعید» و «منذر بن محمد بن منذر بن سعید» نیز از همین خاندان هستند.

علامه بحر العلوم از آنان با عنوان بیت کبیر، جلیل بالكوفه یاد می کند. (همان، ص 272) برخی از رجالیون، انتساب شخص را به این خاندان، نشانه وثاقت راوی دانسته اند.

(وحدیدبهبهانی، 1404ق، ج 1، ص 216) به نظر می‌رسد بتوان این ادعا را برای سید بحر العلوم این‌گونه مطرح کرد که ایشان معتقد به مدح عام این خاندان بوده‌اند.

1. مستند علامه مبتنی بر کلام نجاشی است که ذیل ترجمه این بیت روایی ذکر کرده است. نجاشی ذیل ترجمه سعید بن ابی‌الجهم می‌گوید: «كان سعيد ثقة في حديثه، وجهها بالكوفة، آل أبي الجهم بيت كبير بالكوفة.» (نجاشی، 1407ق، ص 179)  
2. نیز در شرح حال منذر بن محمد بن منذر آورده است: «ثقة من اصحابنا من بيت جلیل.» (همان، ص 418)

تعبیرات نجاشی ذیل ترجمه این دو شخص تصریح دارد که این توثیق منحصر به فرد خاص نیست، بلکه شامل آل ابی‌الجهم است، زیرا الفاظ کبیر و جلیل توصیفی برای بیت ابی‌الجهم است نه فرد خاصی. اینکه برخی از رجالیون چون بهبهانی بودن راوی از آل ابی‌الجهم را نشانه وثاقت دانسته‌اند. (وحدیدبهبهانی، 1404ق، ج 1، ص 316) به گونه‌ای قواعد عامه توثیق را در این خاندان مطرح کردند، ولی دلیل و نشانه قطعی بر توثیق نیست.

به نظر می‌رسد قرار دادن این بیت روایی در میان مدح عام بهتر باشد، زیرا الفاظی چون کبیر و جلیل بنا بر نظر رجالیون اشاره به مدح دارد؛ گرچه در خود توثیق را نیز به همراه دارد. صاحب *درایة الحدیث* می‌گوید: «لفظ جلیل همانند واژه مشکور، مدح راوی است و به حد توثیق نمی‌رسد.» (مدیرشانه‌چی، 1362، ص 113)

نیز گفته شده لفظی است که مفید مدح بوده و باعث اعتماد بر راوی می‌گردد، گرچه در حد توثیق نیست. (شهیدثانی، 1413ق، ص 207) میرداماد نیز آن را از الفاظ مدح و توثیق می‌داند. (میرداماد، 1412ق، ص 60)

علامه بحر العلوم ذیل ترجمه حسن بن نصر و محمد بن علی و حسن بن محمد در بخشی از بررسی بیت مذکور می‌گوید: «لم يظهر كونه من آل أبي الجهم، ليعمهم المدح الوارد فيهم.» (بحر العلوم، 1363، ج 1، ص 275) به نظر می‌رسد این نیز قرینه دیگر بر مدح این خاندان از دیدگاه سید بحر العلوم باشد.

در میان بیوتات رجالی که سید بحر العلوم ذکر کرده، آل نعیم الازدی نیز دارای همین شرایط برای مدح عام است. (همان، ص 283) نجاشی ذیل ترجمه دو نفر از افراد

این خاندان تعبیراتی به کار می‌برد که حاکی از مدح عام این خاندان است. ذیل ترجمه بکر بن محمد بن عبدالرحمن بن نعیم آورده است: «... وجه هذه الطایفة من بیت جلیل بالكوفة من آل نعیم الغامدیین.» (نجاشی، 1407ق، ص 108) ذیل شرح حال جعفر بن مثنی: «ثقة من وجوه أصحابنا الكوفیین و من بیت آل نعیم...» (همان، ص 121)

### 1-3-3. آل ابی سارة

«حسن بن ابی سارة» و برادرش «مسلم» و فرزندش «محمد بن حسن» و برادرزادگانش «عمرو بن مسلم» و «معاذ بن مسلم» و «حسین بن معاذ» از این خاندان هستند. به نظر می‌رسد درباره این خاندان نیز ادعای مدح مطرح است و مستند سید بحر العلوم بار دیگر بر کلام نجاشی می‌باشد. مستند مدح:

نجاشی ذیل شرح حال محمد بن حسن چنین آورده است: «محمد بن الحسن بن ابی سارة أبو جعفر، مولی الانصاری عرف ب الرواسی اصله کوفی و ابن عم محمد بن الحسن: معاذ بن مسلم بن ابی سارة و هم أهل بیت فضل و أدب...» (همان، ص 324) در ترجمه ذیل تعبیر «هم أهل بیت فضل و أدب» بر مدح تأکید دارد. در ظاهر این عبارت در تمجید سه نفر از افراد مذکور - محمد بن حسن، حسن بن ابی سارة پدرش، و معاذ بن مسلم - در کلام نجاشی است؛ و شامل حال دیگر افراد این خاندان نیست. اما به نظر می‌رسد این عبارت یک مفهوم توصیفی در خود داشته باشد، یعنی اینکه «أهل بیت فضل و أدب» توصیفی برای بیت ابی سارة باشد. در این صورت، کل خاندان ابی سارة شامل این تمجید می‌شوند.

سید بحر العلوم می‌گوید: «العموم فی الاول یستفاد من کون البیت فضل و أدب، و إن کان أخبارا عن معین کما یطیعه ظاهر کلام و اذ علمت ظهور العبارة الاولى فی مدح بیت ابی سارة - مطلقا - بالفضل والادب، تبین الحسن فی مسلم، و ابنه عمرو و ابن ابنه الحسن.» (بحر العلوم، 1363، ج 1، ص 282)

### 1-4-3. آل حیان

از بزرگ‌ترین خاندان‌های شیعه در کوفه، آل حیان تغلبی است که اسحاق بن عمار



و برادرانش اسماعیل، قیس، یوسف و یونس و فرزندانش محمد، یعقوب، بشیر بن اسحاق، علی بن اسحاق، عبدالرحمن بن بشیر بن اسماعیل، محمد بن یعقوب بن اسحاق و علی بن محمد بن یعقوب از آنان هستند.

سید بحرالعلوم ذیل ترجمه این خاندان می‌گوید: «آل حیان تغلبی مولی بنی تغلب، بیت کبیر فی الشیعة، کوفیون، صیارفة، معروفون بهذه الصنعة و بالنسبة الی تغلب.» (بحرالعلوم، 1363، ج 1، ص 290)

علامه بحرالعلوم مدح عام این خاندان را بر کلام نجاشی استناد می‌دهد. نجاشی ذیل بررسی اسحاق بن عمار می‌گوید: «سحاق بن عمار بن حیان مولی بنی تغلب أبویعقوب الصیرفی، شیخ من اصحابنا ثقة. و اخوة: یونس و یوسف و قیس و اسماعیل و هو فی بیت کبیر من الشیعة.» (همان، ص 300)

به نظر می‌رسد مدح عام این خاندان از عبارت «هو فی بیت کبیر من الشیعة» دانسته شود، زیرا اولاً این عبارت در خود توصیف «خاندان حیان» را دارد؛ به عبارت دیگر، بیان می‌کند آل حیان از بیت کبیر شیعه است و این خود نوعی تمجید و مدح برای کل افراد آن است که از شیعیان می‌باشند. از سویی دیگر، سید بحرالعلوم گوید از این عبارت «ستقامة جميع أهل هذا البيت فی المذهب» مدح استفاده می‌شود. (همان، ج 1، ص 300) به نظر می‌رسد این دیدگاه سید بحرالعلوم به شیعه بودن این خاندان برمی‌گردد، چراکه ایشان این تعبیر را از الفاظ مدح متعلق به مذهب می‌داند. (همان‌جا)

### 1-3-5. بنو خالد البرقی

خاندان برقی را می‌توان از علمی‌ترین خاندان‌های شیعه نام برد. افراد این خاندان عبارت است از: خالد بن عبدالرحمن بن محمد بن علی، ابو عبدالله محمد بن خالد و برادرانش ابوعلی الحسن «الحسین» و ابوالقاسم الفضل و پسرش ابو جعفر احمد محمد بن خالد «حمد بن ابی عبدالله»، پسر پسر پسرش احمد بن عبدالله بن احمد بن محمد بن خالد برقی و پسر پسر برادرش علی بن العلاء بن الفضل بن خالد.

سید بحرالعلوم ذیل این خاندان می‌آورد: «هم أهل بیت علم و فقه و حدیث و أدب.» (بحرالعلوم، 1363، ج 1، ص 331)

این عبارات آشکارا می‌رساند خاندان برقی دارای مدح عام هستند، زیرا علامه از

آنان به عنوان اهل بیت علم ادب نام برده و این توصیف را به کل این خاندان نسبت داده است.

درباره خاندان برقی، چند نکته درخور توجه است:

1. بررسی کل افراد این خاندان در منابع رجالی روشن می‌کند که این خاندان شامل فقها و علمای شیعه‌مذهب و از روایان ائمه معصومین علیهم‌السلام می‌باشند.
2. تأثیر علمی آنان بر حوزه قم بعد از خاندان اشعری نشان از فقاہت و عالم بودن آنان دارد.

3. بررسی رجالی افراد این خاندان روشن می‌کند برخی از افراد این خاندان از ضعفا بوده یا از ضعفا نقل روایت می‌کند؛ چنان‌که ذیل ترجمه محمد بن خالد بن عبدالرحمن محمد بن علی برقی ابو عبدالله آمده است: «کان محمد ضعیفا فی الحدیث حسن المعرفة بالاخبار و علوم العرب...» (خویی، 1413ق، ج 26، ص 65) همچنین ذیل ترجمه احمد بن محمد بن خالد برقی آمده است: «انه کان ثقة فی نفسه، یروی عن الضعفاء واعتمد المراسیل و صنف کتبا کثیرة.» (نجاشی، 1407ق، ص 71/ طوسی، بی‌تا، ص 51/ ابن داود، 1383، ص 40)

به نظر می‌رسد علامه بحر العلوم با تکیه بر دو ویژگی بارز این خاندان که در منابع رجالی آمده است، یعنی تشیع و دیگری بهره بردن از علم دانش تصریح به مدح عام آنان کرده است.

### نتیجه‌گیری

1. نگارش منابع رجالی از آغاز تاکنون برای شناخت روایان با شیوه‌های متفاوت صورت گرفت؛ چنان‌که در دوره متأخر، تألیفات رجالی بر اساس روش تراجم بیوتات و خاندان‌ها از شیوه‌هایی بوده که محققان رجالی از آن استفاده کرده‌اند. این تألیفات منجر به شکل‌گیری مجموعه منظمی از مهم‌ترین و مؤثرترین خاندان‌های روایی و رجالی شد که در نقل احادیث و گسترش اسلام نقش به‌سزایی داشته‌اند.

2. کتاب الرجال بحر العلوم معروف به فوائد الرجالیه از مهم‌ترین کتاب‌های دوره متأخر است. شاخصه اصلی بخش اول این کتاب که به شرح حال‌نگاری 28 خاندان از

مهم‌ترین خاندان‌های روایی اختصاص دارد، نگارش بر اساس تراجم بیوتات و خاندان‌های روایی است.

3. با بررسی بخش اول از *الفوائد الرجالية بحرالعلوم* روشن شد که علامه بحرالعلوم مجموعه‌ای از توثیقات عام، خاص و مدح را با ترجمه این خاندان‌ها به وجود آورده است.

4. در نهایت، سید بحرالعلوم در حوزه بیوتات با بررسی 28 خاندان از مهم‌ترین خاندان‌های رجالی، در مجموع تعداد سه بیت «10/7 درصد» از خاندان‌ها را در شمار توثیق عام و نوزده بیت «68/85 درصد» را در میان توثیق خاص و برای شش بیت «21/42 درصد» از این خاندان‌ها مدح قائل شده است.

بنابراین اطلاعات ارائه‌شده بررسی بیوتات از سوی سید بحرالعلوم، از آن توثیق عام یا توثیق خاص و زمانی دیگر مدح به دست می‌آید. نیز مستند علامه بحرالعلوم در ایجاد این ارتباط رجالی غالباً متکی بر دیدگاه نجاشی است؛ چنان‌که از میان 28 بیت روایی تعداد بیست بیت روایی را «71 درصد» مستند به اقوال نجاشی است.



## منابع

1. قرآن کریم.
2. ابن داود حلّی، تقی‌الدین حسن بن علی؛ *رجال ابن داود*؛ تهران: دانشگاه تهران، 1383.
3. الاصفهانی، الامام راغب؛ *المفردات فی الفاظ القرآن*؛ تحقیق صفوان عدنان داودی، الطبعة الثانية، بی‌جا: طلّیعة النور، 1427ق.
4. الايروانی، باقر؛ *دروس تمهیدیه فی القواعد الرجالیة*؛ حبیب، 1417ق.
5. بحرالعلوم الطباطبایی، محمد مهدی؛ *الرجال* (معروف به *الفوائد الرجالیة*)؛ الطبعة الاولى، تهران: مکتبة الصادق، 1363.

6. البرقی، احمد بن محمد بن خالد بن عبدالرحمن بن محمد بن علی؛ الرجال البرقی؛ تهران: دانشگاه تهران، 1383.
7. تستری، محمدتقی؛ قاموس الرجال؛ قم: مؤسسه النشر الاسلامی، 1410ق.
8. حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله؛ كشف الظنون عن اسامی الكتب والفنون؛ تهران: مكتبة الاسلامیة مكتبة الجعفری، 1387ق.
9. حسینی جلالی، محمدرضا؛ المنهج الرجالی والعمل الرائد فی الموسوعة الرجالیة؛ الطبعة الاولى، قم: مركز الابحاث والدراسات الاسلامیة الحوزة العلمیة، 1418ق.
10. حلی، حسن بن یوسف بن علی بن مطهر؛ رجال العلامة حلی؛ قم: دار الذخائر، 1411ق.
11. خطیب، محمدعجاج؛ اصول الحدیث، علومه و مصطلحه؛ بیروت: دارالفکر، 1417ق.
12. خوبی، ابوالقاسم؛ معجم الرجال الحدیث؛ قم: مركز نشر آثار شیعه، 1410ق.
13. \_\_\_\_\_؛ \_\_\_\_\_؛ مكتبة الشاملة، 1413ق / 1992م.
14. دهخدا، علی اكبر؛ لغت نامه؛ ج 2، تهران: دانشگاه تهران، 1373.
15. ربانی، محمدحسن؛ دانش الرجال الحدیث؛ ج 1، مشهد: آستان قدس رضوی و به نشر، 1382.
16. رحمان ستایش، محمدکاظم؛ آشنایی با كتب رجالی شیعه؛ تهران: سمت، دانشكده علوم حدیث، 1385.
17. زراری كوفی، ابوغالبا؛ رسالة أمیر غالب الزراری؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی (مكتبة الشاملة)، 1411ق.
18. السند، محمد؛ بحوث فی مبانی علم الرجال؛ به قلم محمدصالح التبریزی، الطبعة الاولى، قم: مدنی، 1426ق.

19. شهید ثانی، زین الدین بن علی بن احمد؛ الرعاة فی علم الدراية؛ تحقیق محمد علی بقال، قم: کتابخانه آیت الله نجفی مرعشی، 1413ق.
20. طبرسی، امین اسلام أبی علی المفضل بن الحسن؛ مجمع البیان المجمع العالمی، لاهل البيت، (مکتبه الشامله)؛ بی تا.
21. طوسی، محمد بن حسن؛ الفهرست؛ نجف: مکتبه المرتضویه، بی تا.
22. \_\_\_\_\_؛ رجال شیخ الطوسی؛ نجف: حیدریه، 1381.
23. \_\_\_\_\_؛ العدة فی اصول الفقه؛ قم: مؤسسه آل البيت، 1403ق.
24. قاسم پور، محسن و حسین ستار؛ فرهنگ اطلاحات الدراية الحديث و رجال؛ تهران: هستی نما، 1389.
25. کشی، محمد بن عمر؛ الرجال الکشی؛ مشهد: دانشگاه مشهد، 1348ق.
26. کلباسی، ابوالهدی؛ سماء المقال فی علم الرجال؛ تحقیق سید محمد حسینی قزوینی، قم: مؤسسه ولی عصر، 1419ق.
27. مامقانی، عبدالله بن محمد حسن؛ مقباس الهدایة؛ تحقیق محمدرضا مامقانی، چ 1، قم: آل البيت، 1411ق.
28. مدیرشانه چی، کاظم؛ علم الحديث و الدراية الحديث؛ قم: چاپ جامعه مدرسین، حوزه علمیه قم، 1362.
29. بندرریگی، محمد و دیگران؛ معجم الوسیط؛ تهران: اسلامی، 1382.
30. میرداماد، محمدباقر بن محمد؛ الرواشح السماویه؛ تحقیق غلامحسین قیصریه ها، قم: الدار الحديث، 1412ق.
31. نجاشی، احمد بن علی؛ الرجال النجاشی؛ قم: جامعه مدرسین، 1407ق.
32. نجفی، محمد حسن؛ جواهر الکلام فی شرائع الاسلام؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، 1398ق.

200 □ تو فصلنامه حدیث پیژوهی، سال پنجم، شماره دهم، پاییز و زمستان 1392

33. وحید بهبهانی، محمدباقر؛ *الفوائد الرجالیه* (چاپ شده در خاتمه رجال البرقی)، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، 1404 ق.

34. \_\_\_\_\_؛ *فوائد الوحید: تحقیق محمدصادق بحر العلوم*، قم: بی نا، 1404 ق.

